خبر

هشدار وزیر کشور درباره کاهش جمعیت در ایران
تا سال ۱۴۸۰ جمعیت به زیر ۴۰ میلیون نفر می‌رسد

وزیر کشور گفت: با ادامه روند فعلی، جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ به زیر ۴۰ میلیون نفر می‌رسد که یک بحران و چالش جدی است. به گزارش ایرنا، اسکندر مؤمنی در مراسم تودیع و معارفه رؤسای قدیم و جدید سازمان ثبت احوال کشور افزود: موضوع انتظار شش میلیون نفر برای صدور و دریافت کارت ملی، صرفا مربوط به سال جاری نیست و بخشی از آن به سال‌های گذشته بازمی‌گردد.

او تصریح کرد: به‌طور قطع، چنین وضعیتی به‌هیچ‌وجه قابل پذیرش و شایسته سازمان بزرگی مانند ثبت احوال کشور نیست. مؤمنی اظهار کرد: بدیهی است که در بخش‌های مختلف شاهد توسعه و پیشرفت باشیم، اما وقتی بیش از شش میلیون نفر پس از گذشت چند سال همچنان در انتظار دریافت کارت ملی هستند، ادعای بهبود خدمات برای مردم باورپذیر نخواهد بود و به همین دلیل انتظار می‌رود این موضوع به‌عنوان اولویت فوری در دستور کار قرار گیرد و برای آن برنامه‌ای کوتاه‌مدت و عملیاتی ارائه شود.

وزیر کشور با اشاره به اینکه این مسئله باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن مورد توجه قرار گیرد، افزود: در شورای معاونین، کارگروهی مشخص برای این موضوع تعیین شده و در شورای معاونین وزارت کشور نیز مصوباتی در این زمینه وجود دارد که لازم است با جدیت پیگیری شود. امیدواریم با هماهنگی و همکاری سایر بخش‌های وزارت کشور، این عقب‌ماندگی در اولین فرصت ممکن جبران شود. مؤمنی گفت: خوشبختانه سازمان ثبت احوال از سرمایه انسانی غنی، باتجربه، متخصص و کارآمدی برخوردار است و بی‌تردید بزرگ‌ترین سرمایه هر سازمان، نیروی انسانی آن است. ضروری است از این ظرفیت عظیم به‌صورت حداکثری و هدفمند استفاده شود تا با همکاری و هم‌افزایی درون‌سازمانی، اهداف پیش‌بینی‌شده محقق شود.

به گفته او، سازمان ثبت احوال بدون تردید یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین سازمان‌های کشور است و اگر بخواهیم چند وزارتخانه و نهاد با قدمت بالا را نام ببریم، ثبت احوال قطعا در زمره آنها قرار دارد. سازمانی که همه ایرانیان به‌نوعی با آن سروکار دارند و ارتقای کیفیت خدمات آن، مستقیما با رضایت عمومی گره خورده است.

وزیر کشور در ادامه به موضوع جمعیت و قانون مرتبط با جوانی جمعیت اشاره کرد و افزود: با ادامه روند فعلی، جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ به زیر ۴۰ میلیون نفر می‌رسد که یک بحران و چالش جدی است. مؤمنی گفت: بر همین اساس کاهش جمعیت به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های آینده کشور تبدیل خواهد شد و تداوم این وضعیت، کشور را با بحرانی جدی مواجه می‌کند و لازم است سازمان ثبت احوال با همکاری مراکز دانشگاهی تحلیل درستی در این‌باره ارائه دهد و چاره‌جویی برای مدیریت این بحران بسیار بزرگ باید در اولویت سازمان قرار گیرد. وزیر کشور با اشاره به اینکه ثبت احوال ستون اصلی دولت الکترونیک و داده‌های جمعیتی کشور است، اظهار کرد: ثبت احوال باید پیشگام هوشمندسازی فرایندها و خدمات باشد، ارائه خدمات سریع، دقیق و غیرحضوری باید در اولویت قرار گیرد و فرایند الکترونیکی‌سازی باید به مرحله نهایی و کامل برسد. به گفته او، عوامل اقتصادی و معیشتی بر فرزندآوری اثرگذار هستند، اما این همه موضوع نیست.

در کنار این، مسئله‌ای که مطرح می‌شود مباحث فرهنگی و سبک زندگی است. الگوی «فرزند کمتر» به یک سبک زندگی در برخی خانواده‌ها تبدیل شده است و باید سیاست‌های جمعیتی هم‌زمان اقتصادی و فرهنگی طراحی شود. وزیر کشور در این مراسم با تقدیر از زحمات «هاشم کارگر»، رئیس سابق سازمان ثبت احوال و آرزوی موفقیت برای «محمد جمالو»، افزود: آینده بهتری برای مردم در حوزه فعالیت ثبت احوال وجود دارد، چراکه اهمیت سازمان ثبت احوال بر کسی پوشیده نیست، به نحوی که با همه مردم از بدو تولد تا زمان فوت و بعد از فوت در ارتباط است.

آغاز فرایند انتخابات شوراها در استان تهران

رئیس ستاد انتخابات استان با تشریح آخرین اقدامات انتخاباتی، از آغاز رسمی فرایند انتخابات، تشکیل هیئت‌های اجرائی در همه شهرستان‌ها و برنامه‌ریزی برای ثبت‌نام شوراهای شهر خبر داد. به گزارش ایسنا، حسین کاغذلو، معاون سیاسی و اجتماعی استاندار تهران، در حاشیه جلسه کمیته انتخابات استان تهران که در سالن جلسات استانداری برگزار شد، با اشاره به ابلاغ وزیر کشور و استاندار در تاریخ ۲۷ آذر برای آغاز فرایند انتخابات در سراسر کشور، اظهار کرد: براساس دستورالعمل‌های ابلاغی، تمامی فرمانداری‌های استان تهران آمادگی کامل خود را اعلام کرده‌اند. او افزود: از روز ۲۸ آذر آگهی ثبت‌نام داوطلبان در تمامی شهرستان‌ها منتشر شد و طی پنج روز، معتمدین شهرستانی در سامانه جامع انتخابات توسط هیئت‌های نظارت شهرستان و استان معرفی شدند و این روند با همکاری و هماهنگی مناسب با ستاد نظارت استان تهران انجام و خوشبختانه اسامی نهایی اعلام شد. رئیس ستاد انتخابات استان تهران ادامه داد: از مجموع ۱۶ شهرستان استان تهران، در ۱۱ شهرستان ۳۰ نفر از معتمدین تأیید شدند و در پنج شهرستان نیز برخی افراد عدم احراز صلاحیت شدند که این موارد نیز به تأیید هیئت‌های نظارت رسید.

کاغذلو تصریح کرد: در روز پنجم، فرایند قانونی تشکیل هیئت‌های اجرائی در هر ۱۶ شهرستان انجام شد و هشت نفر از معتمدین به‌عنوان اعضای هیئت اجرائی شهرستان‌ها انتخاب شدند و در این مسیر، جا دارد از تلاش فرمانداران، هیئت‌های نظارت و عوامل اجرائی شهرستان‌ها قدردانی کنم. او در پایان گفت: از تاریخ ۲۸ دی‌ماه، روند ثبت‌نام شوراهای شهر در استان تهران و شهرستان‌های استان آغاز خواهد شد و پس از پایان ثبت‌نام، هیئت‌های تعیین صلاحیت بررسی‌ها را انجام و نتایج را اعلام خواهند کرد و همچنین با ابلاغیه آتی وزیر کشور، مراحل بعدی و آغاز رسمی انتخابات در بازه‌های زمانی پیش‌بینی‌شده اجرائی خواهد شد.

ایران «تحرک شرورانه» تل‌آویو علیه سومالی را محکوم کرد

سخنگوی وزارت خارجه ایران نقض آشکار حاکمیت و تمامیت سرزمینی سومالی توسط رژیم صهیونیستی را محکوم کرد. «اسماعیل بقایی»، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اقدام رژیم صهیونیستی در نقض فاحش حاکمیت و تمامیت سرزمینی سومالی از طریق تلاش برای پیشبرد توطئه تجزیه این کشور اسلامی را نقض صریح اصول بنیادین منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل دانست و آن را محکوم کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران با تأکید بر موضع اصولی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ضرورت حفظ حاکمیت ملی، یکپارچگی و تمامیت سرزمینی جمهوری فدرال سومالی، این تحرک شرورانه رژیم صهیونیستی را در راستای سیاست این رژیم برای بی‌ثبات‌سازی کشورهای منطقه و تشدید ناامنی در منطقه دریای سرخ و شاخ آفریقا توصیف کرد. بقایی ضمن حمایت از موضع قاطع سازمان همکاری اسلامی و نیز اتحادیه آفریقا در محکومیت اقدام رژیم صهیونیستی، خواستار اقدام قاطع جامعه جهانی برای خنثی‌کردن این اقدام توسعه‌طلبانه و تهدیدزای رژیم اشغالگر شد.

تهران-بیروت در عصر یخبندان؟

ادامه از صفحه ۲

ایشان برای رد این اتهامات، تأکید کرد که همه هزینه‌ها را ایران تأمین می‌کند، بدون آنکه به برداشت منفی این سخن در داخل ایران با توجه به مشکلات اقتصادی توجه کند.

در حقیقت، منابع مالی حزب‌الله تنها به ایران محدود نیست؛ مهاجران شیعه در غرب آفریقا، آمریکای جنوبی، کانادا و استرالیا که بسیاری از آنان ثروتمند هستند، مبالغ قابل توجهی ارسال می‌کنند. همچنین تجار شیعه کویتی و سایر نقاط خلیج فارس کمک‌های مالی مهمی ارائه می‌دهند. اکنون که فشار تحریم‌ها بر ایران افزایش یافته، آمریکا مقررات سخت‌گیرانه‌ای وضع کرده تا مهاجران شیعه نتوانند پول به لبنان بفرستند؛ هدف این است که جامعه شیعه را زیر فشار اقتصادی شدید قرار داده و به تسلیم وادارد.

می‌دانم در آن برهه‌ای که حاج احمد متوسلیان در لبنان حضور داشتند، شما نیز آنجا بودید. مقاطع حضور مستشاری ما بسیار متعدد است. وقتی این واقعیت‌ها را کنار هم می‌گذاریم، گزاره «نیروهای نیابتی» چنان پررنگ می‌شود که نمی‌توان آن را از افکار عمومی و سطح تحلیل‌ها حذف کرد. آیا خودتان معتقد نیستید که این مسئله تا حدی درست است؟ برای مثال، در ماجرای حاج احمد متوسلیان، خود امام دستور بازگشت نیروهای ما از لبنان را دادند، اما در تمام این مقاطع، واقعا ما چنین حضوری داشتیم.

محمدعلی مهتدی: من این دوره را لحظه به لحظه دنبال کردم و در صحنه حضور داشتم.

درباره ماجرای حاج احمد...

محمدعلی مهتدی: بله، شاید گفتنش صلاح نباشد، اما نظر حضرت امام هرگز این نبود که ما در لبنان مقاومت ایجاد کنیم یا نیروهای‌مان را دائم مستقر کنیم؛ ایشان دستور بازگشت نیروها را دادند. برخی از پاسداران در منطقه بقاع ماندند، اما ماجرای ربودن حاج احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی (کاردار سفارت در دمشق) و همراهان‌شان توطئه‌ای برنامه‌ریزی‌شده بود. آنها در مسیر بازگشت از دمشق به بیروت، در پست بازرسی فالانژیست‌ها گرفتار شدند. این‌جانب لحظه به لحظه موضوع را دنبال کردم و از همه امکانات برای روشن‌شدن سرنوشت‌شان استفاده شد، اما جمهوری اسلامی هرگز به دنبال ایجاد نیروی نیابتی در لبنان نبود.

تصمیم‌گیری‌ها در آن زمان ساده و براساس وظیفه شرعی بود. اسرائیل، لبنان را اشغال کرده بود؛ گروهی از لبنانی‌ها ازجمله سیدعباس موسوی و سیدحسن نصرالله به ایران آمدند و درخواست کمک برای مقاومت کردند. براساس حدیث رسول‌الله(ص) که «اگر فریاد کمک مسلمانی را بشنوید و پاسخ ندهید، مسلمان نیستید»، جمهوری اسلامی کمک کرد؛ نه برای ایجاد نیابتی یا گسترش عمق استراتژیک، بلکه صرفا وظیفه شرعی.

متأسفانه برخی اظهارات داخلی مانند ادعای کنترل چهار پایتخت عربی تبلیغات خارجی را تقویت کرده است. در عراق نیز پس از اشغال ۲۰۰۳ از طرف آمریکا و بعد هم تهدید داعش، درخواست کمک از سوی نوری المالکی و حتی مسعود بارزانی مطرح شد. حاج قاسم سلیمانی براساس فتوای آیت‌الله سیستانی و وظیفه شرعی وارد عمل شد و با آموزش محدود، مانع سقوط اربیل و بغداد شد. این کمک‌ها دخالت در امور داخلی نبود، بلکه پاسخ به درخواست‌های مردمی و شرعی بود. این کمک‌ها انسان‌دوستانه، اخلاقی و ایمانی بودند. به‌عنوان مسلمان نمی‌توان در برابر فریاد کمک گفت که «دخالت در امور داخلی نمی‌کنم» و اجازه داد داعش بغداد یا اربیل را اشغال و قتل‌عام کند یا شیعیان لبنان در برابر اسرائیل بی‌دفاع بمانند. همین رویکرد در یمن و دیگر نقاط نیز حاکم است؛ هرکدام پرونده‌ای جداگانه دارد.

جمهوری اسلامی هرگز به دنبال نابودی اسرائیل نبوده است؛ نابودی یک رژیم نیازمند طراحی دقیق نظامی و غیرنظامی است که ما هرگز چنین برنامه‌ای نداشته‌ایم. اتهام ایجاد محور مقاومت برای نابودی اسرائیل، گفتمانی خارجی است که دیگران ساخته‌اند و ما در تغییر آن ناتوان بوده‌ایم. بسیاری، حتی در داخل، این را باور کرده‌اند، درحالی‌که واقعیت، کمک‌های شرعی و انسانی است، نه ایجاد نیروهای نیابتی.

جناب دلفی، نکته بسیار مهمی وجود دارد درباره توافق طائف و جامعه لبنان. همان‌طور که آقای مهتدی فرمودند، از تقسیم‌بندی ۱۴ مارس و ۸ مارس عبور کرده‌ایم؛ آیا از توافق طائف نیز عبور کرده‌ایم؟ قرار بود دولت براساس وزن اقوام، طوایف، مذاهب و ادیان تشکیل شود. اکنون چه شده که با این شرایط مواجهیم و عملا از توافق طائف فاصله گرفته‌ایم؟

ابوالقاسم دلفی: وضعیت کنونی لبنان نتیجه تحولات گسترده منطقه‌ای است که فضای عمومی خاورمیانه را دگرگون کرده و همه استحکامات پیشین را زیر سؤال برده است. هفتم اکتبر سرفصلی کلیدی در این تحولات به شمار می‌رود؛ بدون توجه به آن، تحلیل‌ها یا عقب‌مانده خواهند بود یا پیش‌داوری. این رویداد به اسرائیل بهانه‌ای داد تا موقعیت سیاسی، جغرافیایی و نظامی خود را با حمایت گسترده آمریکا، اروپا و جامعه بین‌الملل تثبیت کند. آنچه در غزه رخ داد، کشتار گسترده تحت عنوان مبارزه با حماس با سکوت جهانی همراه بود؛ زیرا جهان آن را نقض مقررات بین‌المللی می‌دانست اما اقدامی نکرد.

در این چارچوب، لبنان دیگر براساس توافق طائف یا قومیت‌گرایی سنتی تعریف نمی‌شود. دولت فعلی که مقبولیت بین‌المللی دارد، فرصت یافته تا شرایط لبنان را برای جهان بازتعریف کند. این دولت مصوبه‌ای تصویب کرده که سلاح، دفاع و امنیت را منحصرا در اختیار دولت قرار می‌دهد. یونیفل (نیروی سازمان ملل) تا پایان ۲۰۲۷ خارج خواهد شد و ارتش لبنان باید مرزها را کنترل کند. بحث توانایی ارتش که پیش‌تر براساس طائف تعریف شده بود، مربوط به دوران پیش از هفتم اکتبر است؛ اکنون ارتش لبنان با مسئولان آمریکایی و اروپایی برای تقویت مذاکره می‌کند تا نیازهای دفاعی را برآورده کند.

دولت تأکید دارد که برای اعمال حاکمیت، سلاح باید در اختیارش باشد. پرسش این است آیا کشوری که حتی با ارتش کامل نتواند از حاکمیت دفاع کند، می‌تواند انتظار داشته باشد که گروهی مانند حزب‌الله اکنون بدون حمایت‌های پیشین سیاسی، نظامی، مالی و امنیتی در برابر ارتش اسرائیل ایستادگی کند؟ حزب‌الله به دلیل ورود به جنگ برای حمایت از غزه، به وضعیت محاصره کنونی دچار شد. اسرائیل سلاح حزب‌الله را تهدیدی مستقیم می‌داند و دولت لبنان برای اعمال حاکمیت، باید این تهدید را رفع کند.

اگر دولت نتواند حاکمیت را تثبیت کند، مردم لبنان در نهایت سخن خواهند گفت. تاریخ لبنان نشان می‌دهد که این مردم با شرایط مختلف کنار آمده‌اند؛ جنوب لبنان در دوره امام موسی صدر بدون سلاح در برابر اسرائیل زندگی می‌کرد، اما به‌عنوان کشوری مستقل. بحث کلی منطقه بر رهایی لبنان از فشارهای خارجی تمرکز دارد. اکنون نفوذ عربستان سعودی بیش‌ازپیش از هفتم اکتبر است و روابط منطقه‌ای را شکل می‌دهد. نفوذ ایالات متحده در لبنان پس از هفتم اکتبر افزایش یافته، درحالی‌که نفوذ اروپا و فرانسه کاهش یافته اما همچنان پابرجاست. لبنان تمایل دارد با وضعیت فعلی ادامه دهد. حزب‌الله و طایفه شیعه حق دفاع از خود را دارند، اما این مسئولیت در درجه نخست بر عهده حاکمیت ملی است که باید از تمام اقوام دفاع کند. اگر حاکمیت ناتوان باشد، باید راه‌حلی یافت.

حزب‌الله باید بخشی از مذاکرات لبنان با جامعه بین‌الملل باشد، اما دولت فعلی تحت اشراف مارونی‌های ضد حزب‌الله به‌تنهایی مذاکره می‌کند. برای تغییر این صحنه، جمهوری اسلامی باید با تأثیرگذاران منطقه‌ای (به‌ویژه عربستان سعودی) و اروپایی (به‌ویژه فرانسه، به‌عنوان قیم سنتی شامات) همسو شود. مطلوبیت واقعی، هم‌صدایی با این بازیگران برای منافع داخلی لبنان است؛ نمایندگی کلیت لبنان در مذاکرات ضروری است، نه صرفا بخشی از مردم.

ادبیات حزب‌الله مبنی بر حفظ سلاح حتی در جنگ جهانی، آرامش‌آفرین نیست و ممکن است به نابودی تدریجی منجر شود؛ زیرا اسرائیل هر لحظه رهبران آن را هدف قرار می‌دهد. کمک‌های ایران باید از طریق دولت لبنان انجام شود تا اتهام دخالت رفع شود؛ اظهارنظرهای سفیر ایران در امور داخلی، این اتهام را تقویت می‌کند. در سوریه، دیپلماسی ما پیش از سقوط بشار اسد ناکارآمد بود؛ اکنون سوریه دشمن ماست، درحالی‌که روسیه و ترکیه جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. اصرار بر مسیر پیشین در لبنان، سعادتمندی شیعیان را که با ما پیوندهای دینی، اعتقادی و فرهنگی دارند، تأمین نخواهد کرد. باید مسیر جدیدی برگزید تا آینده‌ای روشن برای آنان تضمین شود.

عکس: سپهند ناکی، شرق

جناب آقای مهتدی، نکته بسیار مهمی درباره ساختار سیاسی و شخصیت‌های حاکم وجود دارد. در برهه‌ای پیش از هفتم اکتبر، همان‌طور که آقای دلفی نیز اشاره کردند، ما حتی با سعد حریری و ولید جنبلاط مشکل داشتیم. اکنون به جایی رسیده‌ایم که جوزف عون، نواف سلام و حتی یوسف رجی چنین مواضعی دارند؛ یعنی رادیکال‌ها در حال قدرت‌گیری هستند. تنها فضای باقی‌مانده، نبیه بری است. آیا واقعا آقای بری، به‌عنوان رئیس پارلمان لبنان، می‌تواند تعادل‌بخش باشد و وزنه‌ای برای حفظ توازن ایفا کند؟

محمدعلی مهتدی: من این‌گونه به موضوع نگاه نمی‌کنم؛ چون ما هرگز صرفا با شیعیان لبنان کار نکرده‌ایم، حمایت از مقاومت همواره همراه با ارتباط با سایر طوایف بوده است. موضع جمهوری اسلامی همواره تأکید بر وحدت ملی لبنان و زندگی مشترک میان همه فرقه‌ها و همان دیدگاه امام موسی صدر بوده است. ما با دولت لبنان، سنی‌ها، مسیحیان و دروزی‌ها نیز روابط داشته‌ایم. مسئله اصلی در لبنان، وابستگی تاریخی هر طایفه به عمق خارجی است؛ مارونی‌ها به فرانسه، دروزی‌ها به پروس-اتریش، سنی‌ها به عثمانی و جهان عرب و شیعیان که فاقد عمق خارجی بودند. در دوره پهلوی، ایران حتی به مخالفان شیعه کمک می‌کرد و شیعیان لبنان حتی بیمارستان نداشتند. هر طایفه عملا دولتی مستقل با سیستم سیاسی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی خود دارد؛ دولت مرکزی صرفا اجماع نمایندگان طوایف است.

اکنون سوریه حذف شده و عربستان سعودی جای آن را گرفته است؛ آمریکا و عربستان که هر دو با اسرائیل همکاری دارند، برای لبنان تصمیم می‌گیرند. در این شرایط، نفوذ ایران محدود است و همه مشکلات به آن نسبت داده می‌شود. با این حال، بهبود روابط با عربستان ممکن است زمینه تفاهم ایجاد کند. جمهوری اسلامی مذاکرات با غرب را تنها به مسئله هسته‌ای محدود کرده و پرونده‌های منطقه‌ای را وارد نکرده است؛ واقعیت‌های زمینی این است که طوایف لبنان بدون فشار خارجی قادر به اجماع نیستند. لبنان به شکل تاریخی سوپاپ اطمینان منطقه بوده؛ اختلافات دولت‌های منطقه‌ای در آنجا تخلیه می‌شد، زیرا هر طایفه و تریبونی داشت. حاکمیت دولت مرکزی در گفتمان سیاسی جذاب است، اما واقعیت متفاوت است، حل بحران‌ها نیازمند اجماع قدرت‌های خارجی پشتیبان طوایف است. هیچ قدرتی به‌تنهایی نمی‌تواند بماند و هیچ طایفه‌ای نمی‌تواند دیگری را حذف یا نادیده بگیرد؛ بنابراین کشورهای حامی باید به تفاهم برسند.

ولی نکته بسیار مهمی وجود دارد که اکنون یک سناریوی رادیکال مطرح است؛ حذف کامل سلاح حزب‌الله و حداقل حذف نگاه ایدئولوژیک ایران. آیا واقعا آمریکا، اسرائیل و عربستان به این نقطه خواهند رسید؟

محمدعلی مهتدی: به نظر من، سناریوی رادیکال حذف کامل سلاح حزب‌الله و نگاه ایدئولوژیک ایران محقق نخواهد شد. واقعیات نشان می‌دهد که چند هفته پیش، آقای نتانیاهو نقشه «اسرائیل بزرگ» از نیل تا فرات را ارائه کرد که طبق آن، لبنان، اردن، نیمی از سوریه، بخشی از عربستان و مصر از جغرافیا حذف می‌شوند. این ادعا نه از سوی ما، بلکه از زبان خود مقامات اسرائیلی مطرح شده است. در چنین شرایطی، تنها نیروی بازدارنده در برابر اسرائیل، مقاومت است. بنابراین تحویل سلاح معادل خودکشی است؛ چون تاریخ نشان می‌دهد که هرجا سلاح تحویل داده شده، قتل‌عام رخ داده است؛ سربرنیتسا در بوسنی (با حضور نیروهای هلندی و سازمان ملل)، صبرا و شتیلا در لبنان (پس از خروج فلسطینی‌ها) و حتی عراق پس از تسلیم صدام حسین.

حتی اگر نقشه اسرائیل بزرگ عملی نباشد، اسرائیل دهه‌هاست به منابع آب لبنان چشم دوخته است. مشکل حیاتی اسرائیل کمبود آب شیرین است؛ دریاچه «طبریه» تنها منبع اصلی آنهاست و مذاکرات بر سر رود اردن ناکام ماند. منابع آب لبنان رودخانه‌های لیتانی، زهرانی، وزانی، اولی و... است که از برف‌های جبل‌الشیخ سرچشمه می‌گیرند و برای اسرائیل حیاتی‌اند. پس از سقوط بشار اسد، اسرائیل عملا جبل‌الشیخ را اشغال کرده و این منابع را در اختیار گرفته است. اردن نیز با توافق محدود، تشنه مانده است.

اسرائیل حتی به رودخانه اولی (نزدیک صیدا) که در متون توراتی مقدس شمرده می‌شود، طمع دارد. لبنان غیر از زیبایی طبیعی و توریسم، منابع آب و اخیرا گاز و نفت ساحلی دارد؛ بدون حفاظت از این منابع، چیزی از لبنان باقی نمی‌ماند. برای ممانعت از الحاق لبنان به اسرائیل بزرگ و حفظ حاکمیت، چاره‌ای جز تقویت قدرت مقاومت نیست. ارتش لبنان به شکل تاریخی ممنوع از داشتن تجهیزات سنگین است؛ کمک‌های آمریکا محدود به پرداخت حقوق (۹۰ میلیون دلار) برای حفظ نماد حاکمیت است، نه تجهیز واقعی با هلیکوپتر، تانک یا توپخانه. بنابراین، مقاومت تنها عامل بازدارنده واقعی در برابر تجاوزات اسرائیل باقی می‌ماند.

جناب آقای مهتدی، تام باراک اظهارنظری کرده که می‌خواهم نظر شما را درباره آن جویا شوم. او می‌گوید گروه‌های شیعی، چه در عراق و چه در لبنان، مانند سایر طوایف که مسلح هستند، مسلح بمانند. با توجه به اینکه شما از گذار از «خلع سلاح» به پروسه «مهار سلاح» سخن گفتید، چه منطقی پشت این است که یک گروه شیعی مانند حزب‌الله باید پهپاد و موشک داشته باشد؟ این گروه‌ها نیز می‌توانند سلاح‌های متعارف داشته باشند مانند سایر طوایف. پاسخ شما به این خط تحلیلی چیست؟

محمدعلی مهتدی: سلاح مورد نیاز باید متناسب با منبع تهدید باشد. در لبنان، تهدید اصلی اسرائیل است و نمی‌توان با سلاح‌های سبک مانند تفنگ یا هفت‌تیر در برابر آن ایستاد. حزب‌الله هنوز قدرت نظامی قابل توجهی دارد؛ تا آخرین روزهای جنگ اخیر، توانست پهپادهای خود را تا خانه نتانیاهو در تل‌آویو نفوذ دهد. از منظر نظامی، ارتش اسرائیل در نیروی زمینی ضعیف است؛ تیپ نخبه گولانی فرسوده شده و موارد خودکشی در میان سربازانش هفته به هفته رخ می‌دهد. حتی رسانه‌های اسرائیلی اعتراف می‌کنند که این ارتش قادر به عملیات گسترده نیست. تنها برتری اسرائیل در نیروی هوایی (با هواپیماهای اف-۳۵) و قدرت اطلاعاتی مبتنی بر هوش مصنوعی است که مقاومت فاقد آن است.

اگر اسرائیل مجددا حمله کند یا حزب‌الله برای پایان‌دادن به تجاوزهای روزانه پاسخ دهد، همان‌طورکه شیخ نعیم قاسم تأکید کرده، سناریوها پیچیده خواهد بود. تلفات در لبنان سنگین خواهد بود، اما اسرائیل نیز تحمل نخواهد کرد. حزب‌الله نیروی رضوان را دارد که برای ورود به فلسطین اشغالی و تصرف جلیل برنامه‌ریزی شده؛ فرماندهان آن (مانند شهید ابراهیم عقیل) نابغه نظامی بودند و اکنون جایگزین‌های جدیدی آمده‌اند. اسرائیل از این نیرو هراس دارد و اف-۳۵ نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد؛ می‌توان بخشی را بمباران کرد، اما عملیات ادامه خواهد یافت. حزب‌الله هنوز ابزارهای بازدارنده‌ای برای مقابله با اسرائیل دارد. این براساس شناخت مستقیم است، نه تحلیل سیاسی.

با این حال، اولویت شیعیان اکنون بازسازی ویرانی‌هاست و مجبور به تحمل هستند تا راهی باز شود. اکنون سوریه بسته است، رژیم آن دشمن شیعه شده و عمق استراتژیک مقاومت نیست. اسرائیل هشدار داده هر پناهگاهی را بمباران می‌کند؛ بنابراین، سنی‌ها، مسیحیان و دروزی از ترس، آوارگان شیعه را نمی‌پذیرند. در جنگ آینده، نیم‌میلیون آواره شیعه کجا بروند؟ این مسائل پیچیده باید در هر رویارویی محاسبه شود.

جناب آقای دلفی، برای سؤال پایانی؛ معادلات سال ۲۰۲۵ در روزهای پایانی خود به سر می‌برد. بسیاری معتقدند که سال ۲۰۲۶ آبستن حوادث بسیار زیادی برای لبنان خواهد بود، از این منظر که نقطه‌ای تعیین‌کننده است. آیا ما اکنون در این نقطه تعیین‌کننده قرار داریم و اگر چنین است، چه تصمیمی باید اتخاذ کنیم؟ یعنی اگر به نقطه‌ای برسیم که دیگر سلاح مقاومت باید پرونده‌اش بسته شود، یعنی اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها سناریوی رادیکال را پیگیری می‌کنند، حالا به قول آقای مهتدی می‌گویند دیگر خلع سلاح مسئله نیست، مهار سلاح مسئله است، در آن صورت واقعا تصمیم ایران چیست؟

ابوالقاسم دلفی: همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، هفتم اکتبر سرفصلی کلیدی است که اوضاع منطقه را دگرگون کرده و همه دستاوردها و چالش‌های پیشین را بازتعریف کرده است. این رویداد، سرآغاز تحلیل‌های نوین و راه‌حل‌های منطقه‌ای است. وضعیت لبنان پیش از این تاریخ مشخص بود، اما اکنون در حال تحول است. اوضاع منطقه در حال تحول است و با استراتژی مناسب می‌توان از آن بهره برد.

لبنان اکنون دولتی دارد که مقبولیت منطقه‌ای، بین‌المللی و حتی روسی یافته است. حزب‌الله را نباید صرفا سپر لبنان دید، بلکه باید نیرویی برای کمک به آینده و امنیت آن تلقی کرد. این دو دیدگاه تفاوت اساسی دارند؛ آیا حزب‌الله را برای ترساندن اسرائیل (با سلاح‌های اذیت‌کننده) حفظ کنیم یا به‌عنوان عاملی که مانع تصورات اسرائیل برای لبنان است؟ برای تأمین امنیت لبنان، مذاکره ضروری است. براساس سند امنیت ملی آمریکا، واشنگتن در حال خروج از خاورمیانه است و غزه را حل‌شده می‌پندارد. اروپا امنیت خاورمیانه را برای خود حیاتی می‌داند؛ عدم امنیت در اینجا، مانند اوکراین، اروپا را ناامن می‌کند.

بنابراین باید با بازیگران مؤثر عربستان سعودی (به‌عنوان نماینده خلیج فارس) و فرانسه (به‌عنوان قیم سنتی شامات) تعامل کنیم. استراتژی نگاه به شرق در لبنان جواب نمی‌دهد؛ نیاز به نگاه به غرب و اروپا داریم تا مؤثر باشیم. عناصر حزب‌الله باهوش و تأثیرگذار هستند و فرانسه نقش کلیدی دارد. خروج نیروهای سازمان ملل تا ۲۰۲۷، فرصت تجهیز ارتش لبنان است تا امنیت مرزها را تأمین کند. ارتش لبنان پیش‌تر نقش پلیس داشت، اما با بازیگری جمعی می‌تواند تغییر کند. ورود مستقیم ما مانع دارد؛ باید از طریق این بازیگران عمل کنیم تا سلاح حزب‌الله برای امنیت شیعه مؤثر باشد، نه بهانه ناامنی کل لبنان.

محمدعلی مهتدی: جمهوری اسلامی ایران دولت فعلی لبنان را به رسمیت شناخته است. ما هرگز اعلام نکرده‌ایم که این دولت نامشروع است یا آن را رد می‌کنیم؛ زیرا دولت‌های لبنان همواره با اجماع داخلی و تأثیر خارجی شکل گرفته‌اند. فرستادگان ایران، ازجمله وزیر خارجه و آقای لاریجانی، با مقامات این دولت ازجمله جوزف عون، رئیس‌جمهور و نواف سلام، نخست‌وزیر، ملاقات کرده‌اند و روابط دیپلماتیک حفظ شده است.

تصمیم‌گیری حزب‌الله مستقل است؛ ایران هرگز به آن دستور نداده و سیدحسن نصرالله بارها تأکید کرده که ایران هیچ درخواستی از حزب‌الله نداشته است. حزب‌الله و جنبش امل (دوگانه شیعی) به‌عنوان بخشی از جامعه لبنان، خود تصمیم می‌گیرند. نبیه بری، رئیس پارلمان و رئیس جنبش امل، تنها صدای رسمی شیعیان است و بدون هماهنگی با ایران، با فرستادگان آمریکا (مانند تام باراک یا کاردار سابق) ملاقات می‌کند. بارها پیشنهاد مذاکره درباره حزب‌الله به ایران شده، اما ما همواره گفته‌ایم که مستقیم با خود حزب‌الله مذاکره کنید. تصور اینکه حزب‌الله، نیابتی ایران است یا برگ برنده در مذاکرات، نادرست است؛ زیرا ایران در هیچ مذاکره‌ای با غرب یا آمریکا اجازه ورود پرونده‌های منطقه‌ای را نداشته و همه گفت‌وگوها محدود به مسئله هسته‌ای بوده است. ضعف ما در گفتمان سیاسی و جنگ نرم است. افکار عمومی اغلب تحت تأثیر گفتمان‌های خارجی شکل می‌گیرد و حتی در داخل، این روایت‌ها پذیرفته می‌شوند. واقعیت‌ها را باید برجسته کرد تا از این ضعف عبور کنیم.

خب، آقای ولایتی نیز خود مصاحبه می‌کند و جنجال‌هایی به وجود می‌آورد. یعنی به قول خودتان، ما مواضع داخلی نیز داریم که حاشیه‌ساز است...

محمدعلی مهتدی: تعجب می‌کنم از اظهارات آقای دکتر ولایتی به‌عنوان شخصیت سیاسی برجسته؛ متأسفانه ما حتی در مسائل داخلی خود اجماع نداریم، چه برسد به امور خارجی. نکته کلیدی برای آینده منطقه این است که پس از هفتم اکتبر، حزب‌الله از هشتم اکتبر به حمایت از غزه وارد جنگ شد. این اقدام براساس فرمول «وحدت میدان‌ها» (وحدت‌المیادین) بود که سیدحسن نصرالله آن را تدوین کرده بود که محور مقاومت شامل غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه، عراق، ایران و یمن است. مسئولیت مقاومت منطقه عمدتا بر عهده سیدحسن بود؛ او تصمیمات را اتخاذ می‌کرد و دیگران از یمن تا عراق با او هماهنگ بودند، نه با تهران. وحدت میدان‌ها به معنای حمایت متقابل است. اگر یک میدان مورد تجاوز قرار گیرد، دیگران به کمک می‌شتابند. این محور در مقابل ائتلاف آمریکا، اسرائیل، عربستان، اردن و معاهده ابراهیم قرار دارد و برای تعیین امنیت استراتژیک منطقه رقابت می‌کند. پس از تجاوز اسرائیل، حزب‌الله عملیات پشتیبانی را آغاز کرد؛ یمن و حشدالشعبی در عراق نیز طبق این چارچوب موشک پرتاب کردند. آیا این فرمول قابل تداوم است؟ باید بررسی شود. اکنون اگر حزب‌الله پاسخ دهد، یمنی‌ها (به گفته سیدعبدالملک) و گروه‌های مقاومت عراق (نه حشدالشعبی رسمی) وارد عمل خواهند شد که ممکن است به جنگ منطقه‌ای بینجامد. اگر فشار به نقطه نهایی برسد، جایی که بودن و نبودن یکی شود، حزب‌الله بی‌توجه به محدودیت‌ها وارد عمل خواهد شد. این واقعیت‌ها باید در هر سناریوی آینده مدنظر قرار گیرد.

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

نوبت دوم

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، سهام و بنگاه متعلق به دولت به شر